|  |
| --- |
| **گفتگوي با دانشجوي اهل سنتواقعه غدير، رمز سعادت (12)** |

|  |  |
| --- | --- |
|  | با پاسخ دادن به سوال زير، (در قسمت نظرات) از جوايز ارزنده اي بهره مند شويد:**آيا حديث غدير در كتب اهل تسنن آمده است؟** در ادامه گفتگويي را در رابطه با موضوع سوال تقديم مي كنيم.**دانشجو:**جناب دكتر با سلام خدمت شما، در گفتگوي قبلي با توجه به آيه 67 مائده ثابت  فرموديد كه پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله، ولايت علي رضي الله عنه را به عنوان وظيفه اي الهي به مردم اين گونه ابلاغ فرمودند: **«من كنت مولاه فعلي مولاه»**لطفاً توضيح بفرمائيد آيا اين حديث در كتب اهل تسنن نيز ذكر شده است يا خير؟**دكتر:**با عرض سلام خدمت شما برادر عزيزم، حديث غدير از احاديث متواتر شيعه و سني مي باشد. مرحوم علامه اميني در كتاب ارزشمند الغدير (1) از 110 صحابي و 84 تابعي و همچنين از 360 مفسر و محدث اهل تسنن، واقعه غدير را نقل مي كند و اين نشانه قطعيت اين واقعه و حديث غدير مي باشد. براي نمونه به چند عدد از اين احاديث اشاره مي گردد.احمد بن حنبل رهبر يكي از فرقه هاي چهارگانه اهل سنت در كتاب مسند خود كه از 6 كتاب معتبر اهل تسنن مي باشد از براء بن عاذب نقل مي كند كه مي گويد:« ما در سفري با پيامبر اكرم صلي الله عليه (و آله) بوديم. پس در غدير خم پياده شديم پس مناديان ما را به صلوة جامعه خواندند و زير دو درخت براي پيامبر اكرم صلي الله عليه (و آله) و سلم، جارو كشيده شد. پس نماز ظهر خواند و دست علي رضي الله عنه را گرفته (از مردم) پرسيدند،  آيا نمي دانيد كه من نسبت به مؤمنين از خودشان سزاوارترم؟ مردم عرض كردند: بلي، مجدداً فرمودند آيا نمي دانيد كه من از هر مومني،  بخودش اولي و سزاوارترم، عرض كردند، بلي پس حضرت، دست علي را گرفتند و فرمودند كه هر كس من مولاي او هستم پس علي مولاي اوست. خدايا هر كه علي را دوست مي دارد، دوست بدار و با آنكه با او دشمني مي كند، دشمن باش – براء بن عاذب مي گويد: پس عمر (علي) را ملاقات كرد و مي گفت « گوارايت باشد اي پسر ابيطالب صبح كردي و شام نمودي در حالي   كه مولاي هر مؤمن و مؤمنه اي هستي» (2)شبيه اين حديث در كتاب اهل تسنن بسيار ذكر شده است و اين يك نمونه از آن انبوه مطالب است.**دانشجو:**آقاي دكتر اگر ممكن است راجع به كلمات اولي و مولا توضيح بفرمائيد چون اصل معني حديث در اين دو كلمه كليدي نهفته است.**دكتر:**براي كلمه مولا 24 معني ذكر كرده اند منجمله پروردگار، عمو، پسر عمو، فرزند،  خواهرزاده، آزاد كننده، آزادشونده، مالك، پيرو، مورد احسان قرار گرفته شريك، هم پيمان، رفيق، همسايه، داماد،  نزديك، نعمت دهنده، هم عهد، سيد، دوستدار، ياور، متصرف در امور،  اولي بالشئي، متولي در امور (3) .بسياري از اين امور اصلاً بر پيامبر و اميرالمؤمنين صلي الله عليهما صدق نمي كند مثل داماد، همسايه، تابع ... و تعدادي از معاني هم، معناي بي اهميتي است كه از شأن مقدس پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله بدور است كه صد و بيست هزار نفر را در آن گرماي سوزان سه روز نگهدارند و پيمان بگيرند كه هر كسي كه من برادر يا ياور يا دوست او هستم علي هم ياور و دوست او مي باشد. و ساحت قدس ربوبي هم اجل از اينست كه به يك چنين اعلاني در آن شرايط دستور دهد. در حاليكه  مردم بارها در تلاوت قرآن» خوانده بودند: **«المؤمنون بعضهم اولياء بعض»** يعني مؤمنين با يكديگر دوست هستند. بعلاوه، اينكه «علي دوست و كمك كننده شماست»، فضيلت مهمي نيست كه ابوبكر و عمر به سبب آن، اميرالمؤمنين تبريك بگويند و يا سعدبن مالك به اين مقام بزرگ اميرالمؤمنين غبطه بخورد (4) و اين مسئله مهمي نبوده كه خداوند بفرمايد اگر آنرا ابلاغ نكني گوئي كه كل دين را نرسانده اي.**دانشجو:**معمولاً اگر يك سخنران كلمه اي را كه داراي چند معني باشد،  در سخن خود بكار برد،  سياق كلام او معني آن لغت را مشخص خواهد نمود. آيا سياق فرمايش پيامبر، معني مولي را مشخص نمي كند ؟**دكتر:**اتفاقاً درست همين طور است. پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله در ابتدا از مردم مي پرسند آيا من اولي بر شما نيستم؟ مردم پاسخ مي دهند آري. سپس حضرت مي فرمايند پس هر كس كه من مولاي او هستم علي مولاي اوست در ابتدا لفظ اولي را در مورد شخص خود بكار مي برند و در مرحله دوم لفظ مولا را، پس معلوم مي شود كه دراينجا مولي بمعناي اولي است. يعني آنكه من (پيامبر) بر او اولي هستم، علي بر او اولي است به عبارت ديگر اميرالمؤمنين اولي به تصرف در امور مؤمنين هستند. و اتفاقاً ابوالفرج اصفهاني، عالم سني،  حديث مزبور را با اين لفظ ذكر كرده كه: پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله، دست علي عليه السلام را گرفت و فرمود **«من كنت وليه و اولي به من نفسه فعلي وليه»** (5)نكته دوم در حديث، بيان «اصبحت و امسيت» از سوي ابوبكر و عمر معرفي يك مقام جديد براي اميرالمؤمنين است و معاني مثل دوست و ياور و... كه از قديم الايام بر اميرالمؤمني صادق بوده است، شامل نمي شود يعني شيخين جز معناي اولويت و امامت، معناي ديگري از لفظ مولا نفهميده اند.**دانشجو:**ساير حضار يكه در آنجا بوده اند چه برداشتي از كلمه مولا داشته اند؟**دكتر:**اگر مردم عادي معني يك كلمه را درست متوجه نشوند، افراد اديب جامعه بخوبي معناي آنرا درك مي كنند. منجمله حسان بن ثابت شاعر كه پس از معرفي اميرالمؤمنين عليه السلام، ازپيامبر اكرم صلي الله عليه و آله اجازه گرفته و سروده اي را در مدح اميرالمؤمنين خواند كه يك  بيت ان اينست:فقال له قم يا علي فانني      رضتيك من بعدي اماماً و هاديا (6)يعني پيامبر باو فرمود كه اي علي بر پا خيز كه من از تو راضي هستم كه پس از من،  امام و هادي باشي.يعني حسان بن ثابت و بقيه مردم كلمه مولا را به معني امام و سرپرست فهميده اند.**دانشجو:**اگر منظور پيامبر اكرم از مولا، به معناي سرپرست را ولي به تصرف باشد، آياممكن است در يك زمان دو ولي وجود داشته باشد؟**دكتر:**پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله، اين جمله را در حجة الوداع و در ماه هاي آخر عمر فرموده اند كه قبل از آن فرموده اند «اني اوشك ان ادعي» يعني نزديك است كه از دنيا بروم،  يعني تعيين مولا و سرپرست براي زمان بعد از خود مي باشد، همچنين، پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله در جنگ تبوك به اميرالمؤمنين عليه السلام فرمودند :«انت وليي في كلّ مومن بعدي» يعني تو بعد از من ولي و جانشين من در بين تمام مومنين هستي (7) در اينجا اولاً به «بعد از من» تصريح شده يعني ولايت در يك زمان نيست. ثانياً  با توجه به كلمه «بعدي»، معلوم مي شود كه معني «ولي»، دوست و ياور نيست چون صفت دوست و ياور بودن، هميشگي است و اختصاصي به بعد از پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله ندارد.**دانشجو:**اگر امامت علي رضي الله عنه طبق حديث غدير، اين قدر قطعي بوده پس چطور خود ايشان به آن استنادي نكرده اند؟**دكتر:**آيا شما همه كتاب هاي اهل تسنن را مطالعه كرده ايد؟**دانشجو:**خير**دكتر:**پس چگونه مي فرمائيد كه اميرالمؤمنين به آن استنادي نكرده اند؟بالعكس، ايشان چندين بار بدان استدلال فرموده اند:1) بعد از خليفه دوم، در روز شوري، حضرت فرمودند: «دليل محكمي مي آورم كه عرب و عجم توانائي تغيير آنرا نداشته باشند ... شما را بخدا سوگند آيا در ميان شما احدي جز من هست كه پيامبر در حق او گفته باشد **«من كنت مولاء فعلي مولاه، اللهم و ال من والاه و عاد و من عاداه ... ليبلغ الشاهد الغائب»**. همه گفتند نه (8)2) عبدالرحمن ابي ليلي مي گويد: شاهد بودم كه علي در رحبه (منطقه اي در كوفه) مردم را قسم مي داد كه« اي مردم  شما را سوگند بخدا، چه كسي در روز غدير خم از رسول الله صلي الله عليه و (آله) شنيد كه فرمود **«من كنت مولاه فهذا علي مولاه»** ، بلند شود و شهادت دهد. عبدالرحمن مي گويد 12 نفر از رزمندگان جنگ بدر بر خواستند، (گوئي آنها را الان دارم مي بينم) پس گفتند: شهادت مي دهيم كه از پيامبر اكرم صلي الله عليه (و آله) شنيديم كه در روز غدير خم فرمود **«الست اولي بالمؤمنين من انفسهم»** آيا من سزاوارتر از مؤمنين بخودشان نيستم و زنان من مادران آنها نيستند؟ پس، گفتيم: بلي يا رسول الله فرمود: هركس من مولاي او هستم علي مولايش است خدايا هر كس او را دوست مي دارد، دوست بدار و هر كس با او دشمني مي كند دشمن بدار (9)علاوه بر موارد فوق اميرالمؤمنين عليه السلام، در ايام حكومت عثمان و در جنگ جمل نيز به حديث غدير استناد فرموده اند كه درآن ترديدي باقي نمي ماند.**دانشجو:**فرمايشات جنابعالي بسيار محكم و مستند است ولي با توجه با اينكه حديث غدير در صحيح بخاري و مسلم نقل نشده است، هنوز مقداري شك وترديد نسبت به صحت آن باقي مي ماند.**دكتر:**جواب اين سوال را در بحث مهدويت نيز عرض كردم.احاديث معتبر اهل تسنن منحصر به احاديث صحيح بخاري و مسلم نيست، كما اينكه حاكم نيشابوري كه از دانشمندان معتبر اهل تسنن است 4 جلدكتاب به نام المستدرك في الصحيحين نوشته در مقدمه جلد يك، ذكر نموده كه «محمد محدبن اسماعيل (بخاري) و مسلم بن الحجاح دوكتاب از اخبار صحيح نوشته اند ولي اين چنين حكم ننموده اند كه غير از احاديثي كه آنها نوشته اند، حديث ديگري صحيح نيست و من از خداوند كمك مي خواهم كه احاديثي كه راويانش ثقه هستند نقل كنم راوياني كه مسلم و بخاري به مثل آنها استناد كرده اند (10)به علاوه خود بخاري و مسلم اذعان داشته اند كه بسياري ازا حاديث صحيح را براي جلوگيري از اطاله كلام، رها كرده اند (11)بالاخره حديث غدير در كتب معتبر بسياري نقل شده است مثلاً همان حديثي كه در ابتدا نقل كردم 64 دانشمند اهل سنت در كتب خودشان آورده اند؛ مثل احمد بن حنبل ابن ماجه نسائي، طبري، ترندي، طبراني، دارقطني؛ ذهبي، حاكم، ثعلبي،  بيهقي \_ خطيب، ابن المغازلي،  حسكاني، خوارزمي، بيضاوي،  ابن عساكر، ابوالفرج، ابن اثير تفتازاني، حمويني، ابن كثير، جزري، مقريزي، ابن الصباغ، هيثمي، ميبدي، ابن حجر، سمهودي، سيوطي، حلبي،  ابن حجرمكي ... (12)و اصولاً حديث غدير علاوه در بين شيعه، بين اهل تسنن نيز از احاديث متواتره مي باشد:محمدبن جرير طبري در كتاب خود از 75 طريق، ابن عقده در كتابش از 105 طريق و غاية المرام 89 حديث از طرق اهل سنت بخصوص از ترمذي، نسائي،  طبراني و.... نقل كرده است (13)  لذا عدم ذكر حديث، در دو صحيح بخاري و مسلم به هيج وجه از وزن حديث نمي كاهد. دليل نقل نكردن صحيحين، يا ترس از حكومت هاي وقت بوده ويا تعصب فرقه اي مانع نقل آن شده است.**دانشجو:**در بعضي از كتب، حديث **«من كنت مولاه فعلي مولاه»** را به اين ترتيب نقل كرده اند:علي رضي الله عنه با گروهي از مسلمين به يمن رفته بودند در باز گشت، بعضي از مسلمين نزد پيامبر اكرم از علي رضي الله عنه شكوه و گلايه اي داشتند،  پيامبر برآشفتند و فرمودند «من كنت مولاه فعلي مولاه» يعني از علي بدگوئي نكنيد. ملاحظه مي فرماييد كه اين قضيه هيچ ربطي به تعيين خليفه و امام ندارد.**دكتر:**بسيار خوب شد كه اين نكته را اشاره كرديداولاً كه پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله، اميرالمؤمنين را دو بار به يمن فرستادند يكبار در سال هشتم هجري و دفعه دوم در سال دهم هجري، و اين اتفاق در سال هشتم هجري رخ داده و همان موقع هم پيامبر اكرم اين جمله مهم را فرموده اند نه اينكه بعد از 2 سال،در صحراي حجفه  مردم را جمع نمايند و سخن دوسال قبل  را پاسخ بگويند (14)ثانياً حتي اگر اين واقعه در سال دهم هجري واقع شده باشد پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله در همان موقع به شاكيان جواب فرموده اند كه «من كنت مولاه فعلي مولاه» و در باز گشت از حج، مجدداً اين جمله را بمناسبت تعيين سرپرست فرموده اند كه ربطي به حادثه يمن نداشته است، زيرا هيچ انسان عاقلي جواب اعتراض 20 – 10 نفر را در يك جمع 120،000 نفري با آن شرايط سخت و دشوار صحراي جحفه نمي دهد.و ثالثاً، همان طور كه پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله بمناسبت هاي مختلف حديث ثقلين را كه مورد اتفاق شيعه و سني است،  فرموده اند، «من كنت مولاه» را نيز بمناسبت هاي مختلف فرموده اند كه اتفاقاً در حادثه يمن هم،  مولا نه به معني دوست بلكه به معني اولي و سزاوارتر است. يعني پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله فرموده اند كه همان طور كه من به شما اولي هستم و هر دستوري بدهم،  جاي اعتراضي بر شما ندارد، علي هم به شما سزاوارتر از شماست و هر دستوري بدهد بر شما لازم الاتباع است و جاي شكايت نيست. يعني خرده گيران مي خواستند از اميرالمؤمنين خرده بگيرند، ولي پيامبر با اين لفظ فرموده اند كه هر كاري كه علي بكند صحيح است و جاي اعتراض نيست مثل فرمايش ديگري كه فرموده علي مع الحق و الحق مع علي يدور حيث دار يعني علي با حق و حق با علي است.**دانشجو:**فرمايشاتتان بسيار روشن كننده بود. بسيار ممنونم. انشاء الله بقيه سؤالات را در جلسه آتيه خواهم پرسيد؛ خدانگهدار .**دكتر:**موفق باشيد. خدانگهدار .  **پي نوشت ها:**1)     كتاب الغديرترجمه ج 1 ص111و1292)     مسنداحمد جزء 37 \_ ص 4363)     الغديرترجمه ج2 ص 3264)     مستدرك علي الصحيحين \_ 4601 از سعدبن مالك نقل شده كه به علي سه چيز داده شده كه اگر يكي از آنان به من داده مي شد، برايم از دنيا و آنچه كه در آنست برايم محبوبتر بود يكي اينكه پيامبر صلي الله عليه و (آله) پرسيد آيا مي دانيد كه من اولي به مومنين هستم؟ ما گفتيم بلي، پيامبر فرمود هر كه من مولاي او هستم،  علي مولاي اوست.....5)     الغديرترجمه ج 2 ص 342 به نقل از مرج البحرين ابوالفرج اصفهاني6)     الغديرترجمه ج 2ص947)     مسند احمد جلد 6 \_ 4368)     مناقب خوارزمي حنفي ص 217 و ابن حجر در صواعق محرقه ص 1269)     مسند احمد 1 \_119حديث 96110)   مقدمه المستدرك علي الصحيحين حاكم نيشابوري11)   سير اعلام النبلا  شمس الدين ذهبي ج 10 ص 283 و ص 38712)   ترجمه الغدير ج 1 ص 3013)   المراجعات نامه 5614)   المراجعات نامه 58 |